

ارقام ایرانی و مقایسه جهانی

است، ولی در بورس ما، با ۳۰ درصد چرخه معاملات، ۳ تا ۴ سال طول می‌کشد تا کل مالکیت، یک بار دست به دست بچرخد.

در این بورس، اصطکاک و ریسک نقدینگی، به شدت بالا است. سؤال آن است که چرا در کشور ما، راجع به شاخص چرخه معاملات، نقش بورس در کل اقتصاد کشور و رشد ارزش معاملات صحبتی نمی‌شود؟ باید گفت تعداد شرکت‌ها در بورس کشورمان بد نیست، ولی رشد ارزش بازار در آن غیرعادی بوده و این رشد، ناپایدار و یک پدیده مقطعی است.

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که ذکر عدد شاخص، بدون پرداختن به شاخص‌های مکمل، ارزیابی ما را از ارایه یک کارشناسی درباره وضعیت بورس با خطا مواجه می‌سازد و در عین حال درک صحیح از این شاخص‌ها نقاط ضعف و قوت بورس کشور را مشخص‌تر می‌کند. در این راستا لازم است شاخص نسبت ارزش بازار به کل اقتصاد در بورس، چرخه معاملات و انگیزه برای معامله افزایش یابند. ■

در کشور ما، با محاسبه درصد تغییر شاخص ارزش بازار، اعلام شده که در دنیا اولیم، ولی با محاسبه شاخص‌های نسبی، نتایج دیگری به دست می‌آیند. کشور ما با GDP در حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار، ارزش بورس در حدود ۶۰ تا ۸۰ میلیارد دلار، با نسبتی حدوداً ۲۰ درصدی در این شاخص مواجه است، در حالی که میانگین دنیا برای این شاخص بالای ۵۰ درصد است. پس این بورس به نسبت اقتصاد ما نقش خیلی کم‌رنگی دارد. این مسأله باید تقویت شود، یعنی در اقتصاد ۴۰۰ میلیارد دلاری، ارزش بورس باید چیزی حدود ۲۰۰ میلیارد دلار باشد تا با میانگین دنیا هماهنگی داشته باشد.

به منظور مقایسه، شاخص دیگر آن است که چرخه معاملات بورس در کشور ما حدود ۳۰ درصد است، در حالی که میانگین این شاخص در دنیا ۱۰۰ درصد می‌باشد. یعنی از ۱۰۰ تومان ارزش، تمام آن در چرخش است که این شاخص در بعضی کشورها ۱۵۰، ۲۰۰ یا حتی ۳۴۰ است. به عبارت دیگر، در طول سال، ارزش بورس ۳ بار در گردش

سند مالی و بودجه‌ای در کشور

نمره انضباط

دولت باید به بودجه احترام بگذارد و آن را نصب‌العین خود قرار دهد.



در بازارهای کالا و خدمات کشور، ناهماهنگی عرضه و تقاضا باعث بروز تورمی شده که تا مرز ۲۵ درصد پیش رفت و بخش قابل توجهی از قابلیت‌های کشور را در داخل و بازارهای خارجی دچار چالش کرد. لزوم افزایش میزان تولید در کنار کنترل امکان افزایش نقدینگی و ایجاد تقاضای کاذب، از موارد مهمی‌اند

که باید با برنامه ریزی دقیق در این مسیر گام برداشت.

در بازار پول نیز افزایش میزان مطالبات معوق سیستم بانکی، آن را در معرض انواع تهدیدات جدی قرار داده است. بخش قابل توجهی از این مشکل به دلیل سیاست‌های انبساطی دولت در سال‌های گذشته رخ داده و البته بی‌انضباطی‌های بانکی آن را تشدید کرده‌اند. در این مورد خاص، افزایش درآمدهای نفتی، افزایش انگیزه‌های کمک سیستم بانکی به طرح‌های اشتغالزایی دولت، انحراف منابع بانکی و موارد بینابین دیگر باعث شدند که برخی بازارها نظیر مسکن فلج شوند و بسیاری از بازارها نیز از نقدینگی محروم بمانند.

نتیجه منطقی آسیب‌های عرضه تولیدی کشور، به هم ریختگی بازار کار است. متأسفانه به همان نسبت که توزیع پول به بخش مصرف جامعه، تقاضا را افزایش داده است، انحراف منابع بانکی از تولید - البته به دلیل نرخ پایین بازدهی تولید در کشور - باعث کاهش میزان عرضه و بالطبع افزایش اخراج نیروی کار و کاهش میزان استخدام شده است.

در مجموع باید به این نکته اذعان داشت که سیاست‌های انبساطی دولت و عدم پایبندی آن به قوانین بودجه‌های سالانه، باعث بروز اختلالات اساسی در اقتصاد کشور می‌شود. از آنجا که بخش‌های مختلف، مسلسل وار با هم در ارتباط‌اند، تأثیرات مذکور هم به صورت بلند مدت و طولی و هم به صورت عرضی و فراگیر دامن اقتصاد را می‌گیرند و آنی می‌شود که نباید بشود. با این توضیحات، لازم است دولت با رعایت آنچه مورد اجماع نظر نخبگان در دولت و مجلس است، جلو زمینه‌های بودجه‌گریزی را بگیرد و اگر موضوعی نیازمند بازبینی است در مراحل تدوین بودجه مورد بررسی قرار گیرد. ■

مهمترین موضوع در زمینه تدوین سند هزینه‌ای و درآمدی دولت، الزام آن به رعایت انضباط مالی است. پیش‌بینی می‌شود در سال آینده با توجه به هدفمندی یارانه‌ها و مسایل مرتبط با آن، درآمدها و هزینه‌های قابل توجهی برای دولت رقم بخورند که دست دولت را در ایجاد شریایی که به کسری بودجه احتمالی دامن بزند باز می‌گذارد. دولت در سال‌های اخیر، سیاست‌های انبساط مالی را در پیش گرفته که سیاست‌های مذکور باعث افزایش عدول دولت از قوانین شده‌اند و در صورت تلاوم این روند، اقتصاد کشور می‌تواند دستخوش شرایط تورمی گسترده‌تری نسبت به گذشته شود.

بی‌شک روند انبساطی شدن اقتصاد در کشور با توجه به میزان اتکای بالای دولت به درآمدهای نفتی که شنیده‌ها از تنظیم بودجه بر مبنای نفت ۸۰ دلاری حکایت دارند، می‌تواند مبین نقشی باشد که پول‌های نفتی در سال آینده در عرصه اقتصاد ایفا می‌کنند. در حال حاضر رقم بالایی نقدینگی در کشور به خودی خود اثرات مخربی را بر بازارهای مختلف بر جای نهاده است. اگر قرار باشد در آینده با افزایش نقدینگی ناشی از هدفمندی یارانه‌ها و همچنین سایر سیاست‌های پولی و مالی انبساطی این رقم افزایش یابد وضعیت بدتر خواهد شد.

دولت چه باید بکند؟

در حال حاضر با توجه به موقعیت اقتصادی کشور، اهداف بلند مدت و جایگاه ایران در منطقه، باید این موضوع را در نظر داشت که سیاست‌های بودجه‌ای دولت نیازمند مدیریت برنامه ریزی شده‌اند و باید بند به بند بودجه به گونه‌ای تنظیم شود که بتواند به رشد اقتصادی بنگاه‌های تولیدی بی‌انجامد و متضمن رفاه اقتصادی ملی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی باشد.

در این زمینه دولت باید متوجه این مهم باشد که پرداخت صرف پول به اقشار جامعه جز افزایش مصرف نتیجه‌ای را در بر ندارد در حالی که افزایش توان پس‌انداز و رشد پایدار اقتصادی با اثر گذاری غیرمستقیم بر شاخصه‌های رفاه می‌تواند نتایج بهتری را به همراه داشته باشند. متأسفانه آنچه در سال‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم، نوعی افزایش ناهماهنگی در بخش‌های مختلف اقتصادی بوده که همگرایی بازارهای مختلف را تحت الشعاع خود قرار داده و باعث بروز اشکالات اساسی در همه بخش‌های اقتصادی و بازارها شده است.